مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال دوازدهم ، شماره ٤، پاییز زمستان ١٣٩٩، شمارهٔ پیاپی ٢٣

Doi: 10.22067/jlkd.2021.39568

واکاوی برخی ویژگی‌های سبکی مترجمان ادبی ایران در یک قرن اخیر

محبوبه نورا (استادیار گروه زبان انگلیسی دانشگاه زابل، زابل، ایران) (نویسنده مسئول)
علی خزاعی فرید (دانشیار گروه آموزشی زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

صص: ٢٧٩-٢٤٧

چکیده

با جنبش مشروطیت وارد دوره تازه‌ای می‌شویم که دگرگونی زبان را نیز ناگزیر می‌کند. در این دوره مخاطب ادبیات عامه مردم می‌شود؛ در نتیجه ارزشها و افکار جدید پدید می‌آید و زبان به سادگی می‌گراید و نهضت ساده‌نویسی آغاز می‌گردد. نثر معاصر فارسی نیز به تدریج متحول می‌گردد. نثر ترجمه نیز از این قاعده مستثنی نیست. این تحقیق بر پایه مطالعات توصیفی ترجمه و هنجارهای پیشنهادی توری برای توصیف ترجمه استوار است. هدف از انجام این پژوهش، واکاوی ویژگی‌های سبکی مترجمان ادبی ایران در یک قرن اخیر است. در مطالعه جاری، شش متغیر سبکی مترجمان ادبی ایران- جمله مجهول، طول جمله، واژگان شکسته، واژگان محاوره، گرته‌برداری واژگانی و تعابیر فارسی- پس از نهضت مشروطه بررسی شد. یافته‌های این بررسی بیانگر آن بود که در طی یک قرن اخیر، استفاده مترجمان ادبی ایران از ساختارهای مجهول، جملات بلند، واژگان شکسته و گرته‌برداری واژگانی بیشتر شده است اما کاربرد تعابیر فارسی و واژگان محاوره پس از اوج‌گیری در دوره دوم در ترجمه‌های دوره سوم کمتر شده است. نتایج بر پایه میزان پایبندی مترجمان هر دوره به امکانات و قابلیت‌های زبان فارسی واکاوی شد.

کلیدواژه‌ها: مترجمان ادبی، ویژگی‌های سبکی، مطالعات توصیفی، هنجارها

تاریخ دریافت: ١٣٩٨/٠٩/٠٨ تاریخ پذیرش: ١٣٩٩/٠١/٠٨

پست الکترونیکی: ١. nouramahbube@yahoo.com ٢. khazaeefar@yahoo.com

مقدمه

یکی از کاستی‌های عمده مطالعاتی که در زمینه تاریخ ترجمه ادبی در ایران انجام شده این است که ما با هنجارهای ترجمه آشنا نیستیم. بدون درک هنجارها آموزش ترجمه، نقد ترجمه و عمل ترجمه غیرممکن است. در تحقیق جاری کوشیده‌ایم تصویری کلی از هنجارهای متنی- زبانی مترجمان ادبیات داستانی در ایران به دست دهیم و سیر تحول این هنجارها را دریابیم. این پژوهش بر پایه دسته‌بندی پیشنهادی و سه‌گانه نگارندگان از مترجمان ادبی ایران در یک قرن گذشته (ر.ک. بخش روش تحقیق) تدوین شده است. طبق این دسته‌بندی، سه نسل از مترجمان ادبی در یک قرن اخیر حضور دارند که هنجارهای زبانی آنان آشکارا متفاوت است. هدف این پژوهش، واکاوی ویژگی‌های سبکی این سه نسل مترجمان ادبی ایران می‌باشد.

مبانی نظری تحقیق

این پژوهش، در چارچوب مطالعات توصیفی ترجمه یعنی نظریه توری در مورد هنجارها و قوانین ترجمه انجام می‌شود و به طور خاص بر هنجارهای متنی- زبانی از زیرمجموعه‌های هنجارهای عملیاتی متمرکز است. مطالعات توصیفی ترجمه بر اساس ساختار سه‌وجهی که هولمز از مطالعات ترجمه ارائه می‌کند، شاخه‌ای از مطالعات ترجمه است که به توصیف نظام‌مند سه پدیده‌ی تجربی و مجزا می‌پردازد که درمجموع موضوع رشته مطالعات ترجمه هستند. این سه پدیده عبارتند از: فرآورده، فرآیند و کارکرد ترجمه. ارتباط این شاخه با دو شاخه دیگر آن یعنی مطالعات نظری و کاربردی، دیالکتیکی است و تحول کل رشته بستگی به تعامل پویا و هماهنگی بین این سه شاخه دارد (لاویوسا، ۲۰۰۲).

توری هنجارهای مختلفی را در مراحل مختلف فرآیند ترجمه تشخیص می‌دهد. هنجار آغازین به تصمیم (آگاهانه یا ناآگاهانه) مترجم در انتخاب گرایش کلی به سمت متن مبدا یا زبان مقصد اطلاق می‌شود. انتخاب این هنجار کلیه تصمیمات اتخاذ شده طی فرآیند ترجمه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (شاتلورث و کاوی، ۲۰۰۷).

دسته‌ای دیگر از هنجارها که نسبت به هنجارهای آغازین در مرتبه پایین‌تری قرار دارند، هنجارهای مقدماتی و هنجارهای عملیاتی هستند. هنجارهای مقدماتی بنا بر تعریف در دو حوزه مجزا اما کاملاً مرتبط عمل می‌کنند. نخستین حوزه، خط مشی ترجمه است که اشاره به عواملی دارد که بر انتخاب متون برای ترجمه در فرهنگ و زبان و برهه زمانی خاص تأثیر

می‌گذارد. حوزه دیگر مربوط به این است که آیا ترجمه بـه طـور مسـتقیم از زبـان اصـلی مـتن انجام می‌گیرد و یا اینکه از یک زبان واسطه صورت می‌گیرد و در واقـع نشـان‌دهنـده نگـاه هـر فرهنگ به ترجمه‌ای است که از روی متن ترجمه شـده‌ای در زبـانی دیگـر انجـام شـده اسـت. هنجارهای عملیاتی، تصمیم‌های اتخاذشده در حین فرآینـد ترجمـه را توصـیف مـی‌کننـد. ایـن هنجارها، بر دو نوع‌اند: هنجارهایی که بر چارچوب متن تأثیر می‌گذارند یا به عبارتی بـر توزیـع مواد زبـانی بـه ویـژه واحـدهای بزرگتـر- در مـتن اثـر می‌گذارنـد (هنجارهـای چـارچوبی) و هنجارهایی که آرایش متن و صورت‌بنـدی کلامـی آن را در بـر مـی‌گیرنـد (هنجارهـای مـتن). همچنان که فرآیند تصمیم‌گیری پیش می‌رود، هنجارهای عملیاتی خاصی که مورد اسـتفاده قـرار گرفته‌اند تعیین خواهند کرد که چه راه‌هایی فراروی مترجم قرار دارد و چه راه‌هایی بسـته اسـت (ماندی، ۲۰۱۲).

هنجارهای متنی- زبانی ناظر بر انتخاب مواد زبانی است که در متن مقصد به کـار مـی‌رود و یا به عبارتی جایگزین مواد زبانی متنی اصلی می‌شود. این هنجارها ممکن است «عـام» باشـند و در همه انواع ترجمه به کار روند و یا «خاص» باشند و تنها در یک نوع از ترجمه یا متن به کـار گرفته شوند. برخی از این هنجارهای متنی- زبانی ممکن است به هنجارهای متون تـالیفی شـبیه باشند اما این شباهت همیشه وجود ندارد. بنابراین هرگز نمـی‌تـوان ترجمـه را در همـه شـرایط گونه‌ای از زبان مقصد دانست که از سنت‌های زبان مقصد پیروی مـی‌کنـد (تـوری، ۱۹۹۵، ص. ۲۰۲).

هنجارهای متنی- زبانی را می‌توان نمودی از سـبک زبـانی مترجمـان در هـر دوره تـاریخی دانست.این مفهوم از سبک به مجموعه‌ای از ویژگی‌های زبانی هـر دوره خـاص اشـاره دارد کـه الگوهای رفتار زبانی و انتخاب‌های زبانی مترجمان هـر دوره را شـکل مـی‌دهنـد. بنـابراین ایـن پژوهش در پی آن است که بررسـی کنـد مترجمـان نسـل اول تـا سـوم گـرایش بـه اسـتفاده از امکانات زبان فارسی داشته‌اند یا زبان مبدأ؟

پیشینهٔ تحقیق

ترجمه ساختار مجهول موضوع پژوهش‌هـای زیـادی در حـوزه ترجمـه بـوده اسـت. تـوآن (۲۰۱۰) راهبردهای ترجمه ساختار مجهول را در گفتمان علمی از انگلیسی بـه ویتنـامی بررسـی کرد. یافته‌های این مطالعه نشـان داد کـه در ویتنـامی، سـاختارهای مجهـول گـاهی بـه سـاختار

مجهول معادل خود در زبان مقصد ترجمه می‌شوند، گاهی به ساختار معلوم برگردانده می‌شوند و گاهی ساختار معلوم بدون فاعل(کنشگر) در زبان مقصد به کار می‌رود. برخی مطالعات دیگر، کاربرد ساختار مجهول را به نوع متن و مترجم مربوط دانسته‌اند. برای مثال، پلچاکووا (۲۰۰۷) راهبرد ترجمه ساختارهای مجهول بین انگلیسی و چکی در متون ادبی، علمی و مطبوعاتی را بررسی کردند. یافته های این پژوهش پیکره‌ای نشان داد که بسامد ساختار مجهول در متون ادبی برگردان شده به انگلیسی بیشتر بوده اما در متون علمی و مطبوعاتی تفاوت معناداری میان بسامد ساختارهای مجهول در ترجمه‌های انجام شده به انگلیسی و چکی وجود نداشته است. در مجموع، نتایج مطالعات نشان می‌دهد که کاربرد ساختار مجهول در متون انگلیسی بیشتر از زبان‌های دیگر است اما کاربرد مجهول تا حدودی هم به نوع متن و مترجم وابسته است.

طول جمله ترجمه‌های فارسی هم موضوع مطالعات زیادی بوده است. حیاتی آشتیانی و شیرازی‌نژاد (۱۳۹۲) با واکاوی پیکره‌ای از متون مطبوعاتی به زبان فرانسه و برگردان فارسی آنها دریافتند که میانگین طول جمله در متون ترجمه‌شده کمتر از متن اصلی بود. افزون بر این، ساختار متون فارسی ساده‌تر و حجم و تنوع واژگان در آنها کمتر از متون اصلی به زبان فرانسوی بود. از طرفی، در ترجمه از زبان‌های دیگر به انگلیسی گرایشی متفاوت دیده می‌شود. واسنونین (۲۰۱۱) با بررسی یک رمان اسلوونیایی و دو ترجمه انگلیسی آن پی برد که شمار جملات متن ترجمه در مقایسه با متن اصلی کمتر شده و در نتیجه جملات متن ترجمه بلندتر از متن اصلی شده است. با وجود این، به گفته واسنونین نمی‌توان در مورد تغییر میانگین طول جمله در طی فرآیند ترجمه به تعمیمی کلی رسید.

مطالعات نشان داده که کوتاه‌تر بودن طول جمله متون غیرادبی فارسی در مقایسه با متن اصلی ارتباطی به سبک مترجمان نداشته است. برای مثال، استکی (۱۳۸۸) میانگین طول جمله، تراکم واژگانی و نسبت تکرار واژگان را در ترجمه متون اقتصادی از انگلیسی به فارسی بررسی کردند. نتایج تحلیل ترجمه‌های سه مترجم فارسی‌زبان نشان داد که فرضیه ساده‌سازی تنها در مورد میانگین طول جمله انجام شده است و میانگین طول جملات فارسی کمتر از متن اصلی بوده است. از طرفی، تفاوت معناداری میان میانگین طول جملات ترجمه‌های سه مترجم یافت نشد.

قدیانی (۱۳۹۱) نظریه ساده‌سازی را در متون داستانی ترجمه شده به فارسی بررسی و نتایج را با متون تالیفی فارسی و انگلیسی مقایسه نمود. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که میانگین طول جملات ترجمه‌های فارسی با متون اصلی تفاوت معناداری نداشت اما به طور معناداری از میانگین طول جملات داستان‌های کودک تالیفی زبان فارسی بیشتر بود. این نتایج نشان می-دهد که میانگین طول جمله در داستان‌های ترجمه‌ای فارسی تابع متن اصلی بوده است. غمخواه و خزاعی‌فرید (۱۳۹۰) هم با موردپژوهی سه ترجمه فارسی رمان «پیامبر» و یک ترجمه فارسی کتاب «غربزدگی» دریافتند که میانگین طول جملات در سه ترجمه رمان پیامبر تغییر معناداری نیافته اما در ترجمه کتاب غربزدگی بیشتر از متن اصلی شده است.

محاوره‌نویسی و شکسته‌نویسی موضوع پژوهش‌های بسیاری در حوزه ادبیات و ترجمه بوده است. برای نمونه، صفارمقدم (۱۳۹۲) تفاوت‌های گفتار و نوشتار فارسی و اهمیت آن در آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان را بررسی کرد. نتایج تحلیل وی نشان داد که زبان گفتار فارسی از جهاتی چون تغییرات واجی و واژگانی، تغییر ساختار جمله، ترکیب واژگان و ساختارها و وجود عناصر ویژه گفتار با زبان نوشتار متفاوت است.

گرته‌برداری واژگانی موضوع مطالعات بسیاری در حوزه ترجمه بوده است. سوول (۲۰۰۱) با بررسی ترجمه‌های دانشجویان فرانسوی و آمریکایی از فرانسه به انگلیسی و برعکس دریافت که بسامد گرته‌برداری در ترجمه‌های انجام شده به انگلیسی بیشتر بوده است. از طرف دیگر، وی گزارش کرد دانشجویانی که دانش زبان فرانسه آنان بیشتر بوده گرایش بیشتری به گرته‌برداری در ترجمه به انگلیسی داشته اند.

علاوه بر این، برخی پژوهشگران از نتایج مثبت گرته‌برداری سخن گفته‌اند. حسینی معصوم و کمیلی دوست (۱۳۸۹) با واکاوی شیوه‌های معادل‌یابی واژگانی در ترجمه متون تبلیغاتی و تجاری از انگلیسی به فارسی پی بردند که گرته‌برداری یکی از شیوه‌های مورد علاقه مترجمان برای حفظ عناصر فرهنگی متن اصلی و جلب نظر مخاطبان تبلیغات تجاری بوده است. در مطالعه‌ای مشابه، جاذب (۲۰۱۵) با بررسی شیوه انتقال عناصر فرهنگی در ترجمه متون راهنمای گردشگری از فارسی به انگلیسی دریافت که گرته‌برداری یکی از شیوه‌های پربسامد در ترجمه این دسته از متون بوده زیرا مترجمان کوشیده‌اند عناصر فرهنگی ایران را با گرته-برداری واژگانی به جوامع هدف انتقال دهند. این دو مطالعه بیانگر کارکرد فرهنگی مثبت

گرته‌برداری بوده است. در پژوهش جاری گرایش مترجمان ادبی نسل اول تا سوم ایران به گرته‌برداری واژگانی بررسی شده است.

روش تحقیق

مطالعه حاضر پژوهشی کتابخانه‌ای است که ویژگی‌های سبکی مترجمان ادبی ایران را در یک قرن اخیر مطالعه می‌کند. ماهیت سوالات و اهداف تحقیق حاضر به گونه‌ای است که ایجاب می‌کند از روش تحقیق ترکیبی(کیفی و کمّی) بهره گیریم تا روایتی توصیفی- تحلیلی- تاریخی بدست دهیم.

روش نمونه‌گیری

با توجه به اینکه بازه زمانی تحقیق حاضر نسبتا گسترده است و ادبیات فارسی به جهت ترجمه ادبیات داستانی در این بازه هم از لحاظ کیفی هم از لحاظ کمّی رشد فزاینده‌ای داشته است بررسی تمام متون در تحقیق حاضر ناشدنی است؛ از طرف دیگر چون تحقیق حاضر قصد دارد سیر تحول و تطور نثر ترجمه را بصورت درزمانی و تاریخی ترسیم نماید ناگزیر متون بصورت غیرتصادفی انتخاب شده اند؛ معیار این انتخاب غیر تصادفی ارزیابی ادبا و فضلا و محققان ادبیات فارسی و ترجمه‌شناسان نسبت به آثار موثر در تحول نثر معاصر فارسی می‌باشد. با مطالعه آثاری که در باب نثر مترجمان بزرگ نگاشته‌اند و نمونه‌های برجسته را ذکر نموده‌اند ما نیز بر آن شدیم تا پیکره تحقیق حاضر را محدود به همین آثار کنیم.

پس از انتخاب متون، ویژگی‌های زبانی مورد تحقیق نیز مشخص گردیده است. بدین منظور، سبک شناسی زبانی[۱] چارچوب روش تحقیق این رساله است. منظور از سبک‌شناسی زبانی همانطور که از نامش برمی‌آید بررسی قواعد حاکم بر زبان است. واضح است که بررسی تمام ویژگی‌های زبانی یک متن ممکن نیست. لیچ و شرت(۲۰۰۷) نیز تحلیل سبکی را گزینش برخی از ویژگی‌های زبانی و نادیده انگاشتن ویژگی‌های دیگر تعریف کرده‌اند؛ تحلیل سبکی بسیار ماهیت گزینشی دارد؛ ممکن است شامل یک ویژگی و یا تعداد زیادی ویژگی باشد. رابطه بین اهمیت متن و ویژگی‌های زبانی مبین آن میزان اهمیت در انتخاب ویژگی‌های سبکی تعیین‌کننده هستند. از این رو دو عامل در تعیین اهمیت سبکی یک ویژگی مهم هستند:

---

۱. Linguistic stylistics

عامل ادبی و عامل زبانی. ترکیب این دو عامل کمک می‌کنند ویژگی‌های مهم و معنـادار سـبکی شناسایی و بررسی شوند. لیچ و شرت این ویژگیها را نشانگرهای سبکی[۲] مـی‌نامنـد و در ادامـه فهرستی از این نشانگرها را در چهارمقولـه ارائـه مـی‌کننـد: مقولـه واژگـانی[۳] مقولـه دسـتوری[۴] مقوله صنایع لفظـی[۵] و مقولـه بافـت و انسـجام[۶](۲۰۰۷و ۶۱-۶۴). بـر اسـاس ایـن دسـته‌بنـدی، متغیرهای واژگان شکسته، واژگان محـاوره، گرتـه‌بـرداری واژگـانی و تعـابیر فارسـی در مقولـه واژگانی قرار می‌گیرند و متغیرهای طول جمله و جمله مجهول در مقولـه دسـتوری دسـته‌بنـدی می‌شوند.

در تاریخ معاصر ترجمه ایران، سه نسل متـرجم وجـود دارد؛ مترجمـان نسـل اول مترجمـان برجسته دوره قاجارند؛ این مترجمان در ترجمه‌هایشان از امکانات بالفعل و بالقوه زبـان فارسـی استفاده می‌کنند. مترجمان نسل دوم مربوط به دوره پهلوی تا ۱۳۶۰ می‌باشند؛ آنهـا گـرایش بـه استفاده از امکانات بالفعل و بالقوه زبان فارسی و نیز استفاده گـاه و بیگـاه از امکانـات بالفعـل زبان مبدا دارند. مترجمان نسل سوم متعلق به دهه ۱۳۶۰ تاکنون می‌باشند. این مترجمان گـرایش آشکار به استفاده از امکانات بالفعل زبان مبـدا دارنـد. از ایـن رو در تحقیـق حاضـر سـه پیکـره تشکیل داده‌ایم: پیکره مترجمان نسل اول(پیکره ۱)؛ پیکره مترجمان نسل دوم(پیکره ۲)؛ پیکـره مترجمان نسل سوم(پیکره ۳). هر یک از پیکره‌ها شامل پانزده اثر از پانزده مترجم اسـت. از هـر یک از کتابها ۳۰ صفحه از ابتدای اثر بررسی شد.

پیکره ۱:

تیره‌بختان ترجمه یوسف اعتصام‌الملک، سه تفنگدار ترجمه محمـدطاهر میـرزا، ژیـل بـلاس ترجمه محمدخان کرمانشاهی، حاجی بابـای اصـفهانی ترجمـه میـرزا حبیـب اصـفهانی، میشـل استروگف ترجمه اوانـس خـان، شـرح حـال خـاطرات مادمـازل ترجمـه محمـد حسـن خـان اعتمادالسلطنه، هانری سوم ترجمه سردار اسعد بختیاری، سرگذشت گراپرل ترجمه منوچهر بـن عمادالدوله، تلماک ترجمه ناظم‌العلوم، کنـت مونـت کریسـتو ترجمـه خلیـل خـان ثقفـی، پسـر پاردایان ترجمه میرزا حبیب عین‌الملک، ترجمه حیات فوبلاس ترجمه علی‌بخـش میـرزا، بوسـه

---

۲. Style markers
۳. Lexical category
۴. Grammatical category
۵. Figures of speech
۶. The context and the cohesion

عـذرا ترجمـه سـید حسـین شـیرازی، سـفر هشـتادروزه دور دنیـا ترجمـه میـرزا حسـینخوان ذکاءالملک، هانری چهارم ترجمه محمدامین دفتر

پیکره ۲:

دون کیشوت ترجمه محمد قاضی، بازمانده روز ترجمه نجـف دریابنـدری، طـاعون ترجمـه رضا سیدحسینی، جنگ و صلح ترجمه سروش حبیبی، خانواده تیبـو ترجمـه ابوالحسـن نجفـی، آرزوهای بزرگ ترجمه ابراهیم یونسی، اوژنی گرانده ترجمه عبدالله توکل، مرگ در آنـد ترجمـه عبدالله کوثری، ربه‌کا ترجمه پرویز شهباز، برق نقره‌ای ترجمه کریم امامی، مـوبی دیـک ترجمـه پرویز داریوش، صد سال تنهایی ترجمه بهمن فرزانـه، زمـان بازیافتـه ترجمـه مهـدی سـحابی، شوهر دلخواه ترجمه مهدی غبرایی، برادران کارامازوف ترجمه صالح حسینی

پیکره ۳:

نماد گمشده ترجمه شبنم سعادت، اما ترجمه رضا رضایی، داسـتانهای شـرلوک هـولمز (دره وحشت) ترجمه مژده دقیقی، ظلمت در نیمروز ترجمه اسدالله امرایـی، اومـون‌را ترجمـه پیمـان خاکسار، تابستان آن سال ترجمه شیرین قندهاری، مون پلاس ترجمه لیلا نصـیری‌هـا، قلبـی بـه این سپیدی ترجمه مهسا ملک مرزبان، تسوکورو تازاکی بی‌رنـگ و سـالهای زیـارت او ترجمـه فرزین فرزام، پرندگان می‌روند در پرو بمیرند ترجمه سمیه نوروزی، صد سال تنهـایی ترجمـه زهره روشنفکر، عمارت معصوم ترجمه شیوا مقـانلو، مـرگ بـه پمبرلـی مـی‌آیـد ترجمـه فرنـاز تیمورازف، عشق تابستانی ترجمه خجسته کیهان، غول مدفون ترجمه امیرمهدی حقیقت.

هنجارهای زبانی مورد بررسی به شرح زیر می‌باشد:

جملۀ مجهول، طول جمله، واژگان شکسته، واژگان محاوره، گرته‌بـرداری واژگـانی و تعـابیر فارسی

تعریف متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق

جمله مجهول

جمله مجهول جمله‌ای است که در آن مفعول یا گروه مفعولی جمله معلـوم در نقـش فاعـل ظاهر می‌شود (مک‌آرتور، ۲۰۰۵: ۷۷۵). بـرای نمونـه، «سـربازان بـه دسـت افـراد مسـلح کشـته شدند» یک جمله مجهول است.

طول جمله

منظور از طول جمله شمار واژگان به کار رفته در هر جمله است. در این پـژوهش، جملاتـی را که از نظر معنایی مستقل هستند جمله در نظر می‌گیریم. بـا ایـن تعریـف، جمـلات سـاده و جملات مشتق یک جمله شمارش می‌شوند(ر.ک. خزاعی‌فرید و فتح‌اللهی، ۱۳۸۹).

واژگان شکسته

منظور از واژگان شکسـته واژگـانی هسـتند کـه بـه گفتـه صـلحجو (۱۳۹۱: ٤) در «حافظـه بصری» فارسی زبانان حضور ندارند و به همین دلیل کاربرد آنها در نوشتار بـرای فارسـی‌زبانـان نامانوس است و از آن جمله می‌توان واژگانی چون «فک، چقد، یه و امرو» را ذکر کرد.

واژگان محاوره

واژگان محاوره در این تحقیق واژگانی هستند که صرفا در گفتار به کار می‌روند امـا صـورت شکسته واژگان دیگر نیستند. از این واژگان می‌تـوان درب و داغـان، فکسـنی، زهـوار دررفتـه و کارکشته را ذکر کرد.

گرته‌برداری واژگانی

منظور از گرته‌برداری واژگانی انتقال دقیق ساختارهای واژگانی زبـان مبـدا بـه زبـان مقصـد است (پولانسکی، ۱۳۹۳: ١٤٧) که از آن جمله می‌توان بـه «روی کسـی حسـاب کـردن»، «چـرا نه؟» و «نقطه‌نظر» اشاره کرد (نجفی، ١٣٦١: ٨).

تعابیر فارسی

منظور از تعابیر فارسی در این تحقیق، اصطلاحات و ضرب‌المثل‌هاست. اصطلاح سـاختاری زبانی است که «معنای کلی آن با مجموع معانی اجـزای آن متفـاوت اسـت»(مـک‌آرتـور، ۲۰۰۵: ٤٩٥). ضرب‌المثل هم تعبیری حکیمانه است که مبتنـی بـر تجـارب پیشـینیان و خـرد جمعـی است(همان، ۸۱۸). با این تعریف، «آب در هاون کوبیدن» یک اصطلاح و «کار نیکو کردن از پـر کردن است» یک ضرب‌المثل است.

نتایج و بحث

جمله مجهول

در این مطالعه، کاربرد جمله مجهول در ترجمه‌های سه نسل از مترجمان ادبی بررسـی شـد. نتایج در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- بسامد جمله مجهول در آثار سه نسل از مترجمان ادبی ایران

آثار دوره نخست	جمله مجهول	آثار دوره دوم	جمله مجهول	آثار دوره سوم	جمله مجهول
تیره بختان	۱۲	دن کیشوت	۱	نماد گمشده	۱۳
سه تفنگدار	۰	بازمانده روز	۱	اما	۱
ژیل بلاس	۰	طاعون	۳	شرلوک هولمز	۵
حاجی بابای اصفهانی	۰	جنگ و صلح	۲	ظلمت در نیمروز	۷
میشل استرگف	۷	خانواده تیبو	۱	اومون را	۱۵
خاطرات مادموزال	۰	آرزوهای بزرگ	۰	تابستان آن سال	۲
هانری سوم	۰	اوژنی گرانده	۱۳	مون پلاس	۲
سرگذشت گراپرل	۲	مرگ در آند	۱	قلبی به این سپیدی	۰
تلماک	۰	ربه کا	۰	بی رنگ و سال های زیارت او	۱
پسر کنت مونت کریستو	۰	برق نقره ای	۵	پرندگان می روند در پرو بمیرند	۱
پسر پاردایان	۵	موبی دیک	٦	صد سال تنهایی	۳
فوبلاس	۰	صد سال تنهایی	۲	عمارت معصوم	۲
بوسه عذرا	٤	زمان بازیافته	۲	مرگ به پمبرلی می آید	٤
هانری چهارم	۷	شوهر دلخواه	۱	عشق تابستانی	۷
ژول ورن	٤	برادران کارامازوف	۰	غول مدفون	۰
میانگین دوره اول	۲,۷۳	میانگین دوره دوم	۲,۵۳	میانگین دوره سوم	٤,۲

همانطور که در جدول ۱ میبینیم، میانگین بسامد جملات مجهول در ترجمه‌های دوره‌های اول و دوم به ترتیب ۲,۷۳ و ۲,۵۳ مورد در هر اثر بوده است در حالی که این رقم در دوره سوم به بالای ٤ مورد در هر اثر رسیده است. این ارقام نشان می‌دهد مترجمان نسل سوم گرایش بیشتری به کاربرد جمله مجهول داشته‌اند. این نتایج با دیدگاه دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۳)

همخوانی دارد. وی پس از تحلیل دیدگاه‌های مختلف در مورد تحول مجهول در ادوار نثر فارسی نتیجه گرفت که ساختار مجهول در نثر فارسی کلاسیک دوره قاجار وجود داشته اما فراوانی آن اندک بوده است. اما مترجمان نسل سوم احتمالا به علت پایبندی به امکانات زبان اصلی و ناآشنایی با قابلیت‌های زبان فارسی، جملات مجهول بیشتری به کار برده‌اند. این در حالی است که صاحبنظرانی همچون خزاعی‌فرید (۱۳۷٤) گرایش غالب در فارسی را احتراز از ساختار مجهول دانسته‌اند. برخی پژوهش‌های سال‌های اخیر هم تاثیر ترجمه بر هنجار کاربرد ساختار مجهول در زبان مقصد را نشان داده‌اند. برای نمونه، مالاماتیدو (۲۰۱۳) با بررسی بسامد ساختار مجهول در متون علمی ترجمه‌ای و تالیفی یونان دریافت که بسامد ساختار مجهول در متون علمی که سال‌های اخیر به یونانی ترجمه شده‌اند بالا بوده و نزدیک به متن انگلیسی می‌باشد.

نمونه‌هایی از ساختار مجهول در ترجمه‌های سه نسل مترجم ادبی ایران در ادامه آمده است:

اکنون بیشتر از چند نفر سرباز باقی نمانده بود و **همگی مقتول شده بودند** (میشل استرگف، ۲)

حوادث هجوم آوردند خانواده‌های پارلمانی در منازل خود کشته شدند (تیره‌بختان، ٤)

کتاب‌های خانم سایمنز در خانه‌های سراسر مملکت مورد تحسین قرار می‌گرفت (بازمانده روز، ۲۸)

خانه‌هایی که سیصد سال عمر دارد، **اگرچه از چوب ساخته شده است**، هنوز در اینجا استوار و پابرجا است (اوژنی گرانده، ۲۳)

روز ۲۸ آوریل غریب ۸۰۰۰ موش گردآوری شده است (طاعون، ۵۰)

ابتدا نگاه خیره‌اش معطوف پاهایش شد که **چنگال‌های شاهینی بر آن خالکوبی شده بود** (نماد گمشده، ۲۱)

دیدم که در برابرم همان خلبانی ایستاده که **بر بدنه هواپیمایش آس پیک نقاشی شده بود** (امون‌را، ۱۹)

پرونده او را به سلول عمومی بردند (درّه وحشت، ۱۸٦)

طول جمله

در این مطالعه، میانگین طول جمله در ترجمه‌های سه نسل از مترجمان ادبی بررسی شد. نتایج در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول۲- میانگین طول جمله در آثار سه نسل از مترجمان ادبی ایران

آثار دوره نخست	میانگین طول جمله	آثار دوره دوم	میانگین طول جمله	آثار دوره سوم	میانگین طول جمله
تیره بختان	۹,٤٥	دن کیشوت	۱۳,۲٥	نماد گمشده	**۱۳,۲٤**
سه تفنگدار	۱۳,٤۱	بازمانده روز	۱۳,۳۹	اما	**۱۲,۱٦**
ژیل بلاس	۹,۷٥	طاعون	۱۱,۸۹	شرلوک هولمز	**۱۲,۹۳**
حاجی بابای اصفهانی	۱٤,۳۸	جنگ و صلح	۱۷,۳	ظلمت در نیمروز	**۹,۳٦**
میشل استرگف	۱۱,٦۷	خانواده تیبو	۸	اومون را	**۱۱,۳٥**
خاطرات مادموزال	۱۲,٥۸	آرزوهای بزرگ	۱۱,۸٥	تابستان آن سال	**۱۳,۰٦**
هانری سوم	۱٤,۰۸	اوژنی گرانده	۲۰,۳۳	مون پلاس	**۱۳,٦۲**
سرگذشت گراپرل	٦,٤۰	مرگ در آند	۱۰,٥	قلبی به این سپیدی	**٤۷,۸٤**
تلماک	۱۲,۸۳	ربه کا	۱۲,۸۲	بی رنگ و سال های زیارت او	**۱۸,۳۰**
پسر کنت مونت کریستو	٦,۹۱	برق نقره ای	۱۳,۹۰	پرندگان می روند در پرو بمیرند	**۲۳,۷۸**
پسر پاردایان	۹,٤۱	موبی دیک	۱۳,۲۰	صد سال تنهایی	**۲۰**
فوبلاس	۱۰,٤۹	صد سال تنهایی	۱٤,٤۰	عمارت معصوم	**۲٥,٤۲**
بوسه عذرا	۹,٤٦	زمان بازیافته	٤۱,٥۳	مرگ به پمبرلی می آید	**۱۸,۳٥**
هانری چهارم	۷,٥۸	شوهر دلخواه	۲٤,٤۰	عشق تابستانی	**۲۲,۱٤**
ژول ورن	۹,٤۳	برادران کارامازوف	۲٦,٦۸	غول مدفون	**۱٦,۷۱**
میانگین دوره اول	۱۱,۱٤	میانگین دوره دوم	۱٦,۸	میانگین دوره سوم	**۱۸,٥٥**

همانطور که در جدول ۲ میبینیم، میانگین طول جمله در ترجمه‌های مترجمان نسل اول تا سوم به ترتیب ۱۱,۱٤، ١٦,٨ و ۱۸,۵۵ واژه بوده است. بدین ترتیب، جملات ترجمه‌های فارسی با گذشت زمان بلندتر شده است. این نتایج با یافته‌های خزاعی‌فرید و فتح اللهی(۱۳۸۹) همخوانی دارد که با مطالعه رمان‌های تالیفی و ترجمه‌ای فارسی نشان داده بودند میانگین طول جمله در رمان‌های فارسی ترجمه‌ای در یک قرن اخیر افزایش یافته و این امر احتمالاً بر بلند شدن جملات در رمان‌های تالیفی فارسی موثر بوده است. قدیانی(۱۳۹۱) هم با بررسی ترجمه‌های داستان‌های کوتاه فارسی نشان داد که بلندتر بودن جملات ترجمه‌های فارسی ارتباطی به هنجارهای نثر فارسی ندارد و بیشتر متاثر از ساختار متن اصلی است.

واژگان شکسته

در این مطالعه، کاربرد واژگان شکسته در ترجمه‌های سه نسل از مترجمان ادبی بررسی شد. نتایج در جدول ۳ نشان داده شده است.

همانطور که در جدول ۳ میبینیم، بسامد واژگان شکسته در ترجمه‌های دوره‌های اول تا سوم به ترتیب ۱,۵۳، ٤,٢ و ٢٢,٦ بوده است. پایین بودن شمار واژگان شکسته در ترجمه‌های دوره نخست عجیب به نظر نمی‌رسد چون شکسته‌نویسی در سنت نثر فارسی در آن دوران جایگاه چندانی نداشته است. خاتمی و اصغری طرقی (۱۳۹۱) با بررسی نمونه‌های مشهور نثر دوره قاجار مشکلات نگارشی و ویرایشی زیادی را در آن متون یافتند اما به نمونه‌های زیادی از شکسته‌نویسی در نثر آن دوران برنخوردند. جهانگرد (۱۳۹۰) نیز با بررسی تحول نثر ادبی دوره قاجار نشان داد که نثر ادبی پیش از شروع ترجمه در عصر قاجار نثری آراسته و خالی از ساختارهای شکسته و عامیانه بوده است. کاربرد واژگان شکسته در ترجمه‌های نسل دوم به تدریج بیشتر شده است. در این دوران، نویسندگان ایرانی همچون آل‌احمد شکسته‌نویسی را برای اهداف خاص مثل خلق زبان عامیانه و یا زبان افراد سالمند به کار می‌برده‌اند (نقابی و تاج‌فیروزه، ۱۳۹۷). جملات «بیا ننه جون. ننه جون گرچه قابلی نداره عرذ می خوام» و «الهی به حق پنش تن که نومید برنگردی» نمونه‌هایی هستند که در آنها واژگان شکسته دیده می‌شود. حلاج‌زاده (۱۳۸۹) هم با تحلیل نمونه‌های نثر آل‌احمد، هدایت و چوبک نتیجه گرفت که آل-احمد در شکسته‌نویسی فارسی نویسنده‌ای صاحب‌سبک است. به نظر می‌رسد که افزایش

نسبی کاربرد واژگان شکسته در ترجمه‌های دوره دوم تا حدودی متاثر از کـار نثرنویسـانی مثـل آل‌احمد بوده باشد.

جدول۳- بسامد واژگان شکسته در آثار سه نسل از مترجمان ادبی ایران

آثار دوره نخست	واژگان شکسته	آثار دوره دوم	واژگان شکسته	آثار دوره سوم	واژگان شکسته
تیره بختان	۰	دن کیشوت	۰	نماد گمشده	۰
سه تفنگدار	۰	بازمانده روز	۰	اما	۰
ژیل بلاس	۰	طاعون	۰	شرلوک هولمز	**۲**
حاجی بابای اصفهانی	۰	جنگ و صلح	۰	ظلمت در نیمروز	۰
میشل استرگف	۰	خانواده تیبو	۰	اومون را	**۲۳**
خاطرات مادموزال	۰	آرزوهای بزرگ	۵۰	تابستان آن سال	۰
هانری سوم	۰	اوژنی گرانده	۰	مون پلاس	**٦**
سرگذشت گراپرل	۰	مرگ در آند	۸	قلبی به این سپیدی	**۱۵**
تلماک	۰	ربه کا	۰	بی رنگ و سال های زیارت او	**٦٤**
پسر کنت مونت کریستو	۰	برق نقره ای	۰	پرندگان می روند در پرو بمیرند	**١٦٢**
پسر پاردایان	۰	موبی دیک	۱	صد سال تنهایی	۰
فوبلاس	۷	صد سال تنهایی	۰	عمارت معصوم	۰
بوسه عذرا	۹	زمان بازیافته	۰	مرگ به پمبرلی می آید	۰
هانری چهارم	٤	شوهر دلخواه	٤	عشق تابستانی	**٦٧**
ژول ورن	۳	برادران کارامازوف	۰	غول مدفون	۰
میانگین دوره اول	۱,۵۳	میانگین دوره دوم	٤,۲	میانگین دوره سوم	**۲۲,٦**

کاربرد واژگان شکسته در ترجمه‌های نسل سوم مترجمان ادبی به بالاترین حد رسیده است. این گرایش مترجمان نسل سوم تا حدودی ناشی از تاثیر رسانه بر هنجارهای فارسی معیار است. این پدیده در زبان‌های دیگر هم دیده می‌شود. برای نمونه ناظمیان و قربانی(۱۳۹۵) نشان دادند که ترجمه مطبوعات انگلیسی‌زبان به عربی موجب افزایش شکسته-نویسی و محاوره‌نویسی در عربی معیار شده است. عزیزی، رسول‌اف و جاذبی‌زاده (۱۳۸۸) هم پی بردند که مصرف رسانه در افول هویت زبانی و ادبی جوانان شیرازی موثر بوده است. اما شاید علت اصلی شکسته‌نویسی ناآشنایی یا بی‌اعتنایی مترجمان نسل سوم به اصول شکسته-نویسی حداقلی است (ر.ک. صلحجو، ۱۳۹۱؛ نجفی، ۱۳۹۱).

نمونه‌هایی از واژگان شکسته در ترجمه‌های سه دوره در زیر آمده است:

یک نفر جوان **هس** که با من قایم شده. من پیش آن جوان فرشته‌ام (آرزوهای بزرگ، ۲۰)

چیزی پیش نمی‌آد (مرگ در آند، ۲۲)

توش یه صندلی مقوایی کوچولو بود. این **عروسکه روش** نشسته بود (امون‌را، ۲۵)

اول آدمک رو درست کردن و **نشوندنش** روی صندلی و بعد مقوا رو با چسب دورش **چسبوندن** (امون‌را، ۲۵)

اما انگار به چیز **دیگه‌ای** نگاه میکردی نه؟ (عشق تابستانی، ۱۲)

من از این‌که **اون‌قدر** کوچک بودم بدم **میومد** (عشق تابستانی، ۱۸)

اصلا نمیدونم چه جوری این اتفاق افتاد. تو خیابون بودم (پرندگان می‌روند در پرو بمیرند، ۲۱).

خل شدی؟ **زبونتو** قورت دادی؟چرا جواب **نمی‌دی**؟ (قلبی به این سپیدی، ۳۰)

واژگان محاوره

در این مطالعه، کاربرد واژگان محاوره در ترجمه‌های سه نسل از مترجمان ادبی بررسی شد. نتایج در جدول ٤ نشان داده شده است.

همانطور که در جدول ٤ میبینیم، میانگین فراوانی واژگان محاوره در دوره‌های اول تا سوم به ترتیب ۱۱,۷۳، ۲۱,۲ و ۱۹,۰٦ واژه در هر اثر بوده است. کاربرد واژگان محاوره در دوره نخست اگرچه اندک است اما همچنان بیشتر از کاربرد واژگان شکسته (جدول ۳) است.

محاوره‌نویسی در دوره نخست برای برگردان گفت و گوی شخصیت‌ها به کار مـی‌رفتـه و پیـرو هنجارهای زبانی نثر فارسی در آن دوران بوده است.

جدول٤- بسامد واژگان محاوره در آثار سه نسل از مترجمان ادبی ایران

آثار دوره نخست	واژگان محاوره	آثار دوره دوم	واژگان محاوره	آثار دوره سوم	واژگان محاوره
تیره بختان	۱۷	دن کیشوت	۱۷	نماد گمشده	**۷**
سه تفنگدار	۰	بازمانده روز	۲۳	اما	**۵۱**
ژیل بلاس	۰	طاعون	۲۱	شرلوک هولمز	**۲۳**
حاجی بابای اصفهانی	۰	جنگ و صلح	۳٤	ظلمت در نیمروز	**٤۵**
میشل استرگف	۰	خانواده تیبو	۲٦	اومون را	**۳٤**
خاطرات مادموزال	۰	آرزوهای بزرگ	۲۷	تابستان آن سال	**۱٤**
هانری سوم	۰	اوژنی گرانده	۲۰	مون پلاس	**۲۸**
سرگذشت گراپرل	۸	مرگ در آند	٥٤	قلبی به این سپیدی	**۱۱**
تلماک	۰	ربه کا	۹	بی رنگ و سال های زیارت او	**۵**
پسر کنت مونت کریستو	۰	برق نقره ای	۲۲	پرندگان می‌روند در پرو بمیرند	**۲۱**
پسر پاردایان	۱۱	موبی دیک	۲۵	صد سال تنهایی	**۱۰**
فوبلاس	٤۳	صد سال تنهایی	۵	عمارت معصوم	**٤**
بوسه عذرا	٤۲	زمان بازیافته	۵	مرگ به پمبرلی می آید	**٤**
هانری چهارم	۱۰	شوهر دلخواه	۱۱	عشق تابستانی	**۹**
ژول ورن	٤۵	برادران کارامازوف	۱۹	غول مدفون	**۲۰**
میانگین دوره اول	۱۱,۷۳	میانگین دوره دوم	۲۱,۲	میانگین دوره سوم	**۱۹,۰٦**

جهانگرد (۱۳۸٤) با بررسی سیر تحول نثر فارسی در دوره قاجار نشان داد که نویسندگان ایرانی بر اثر آشنایی با متون غربی به تدریج از نثر منشیانه قاجاری دور شد و تعابیر محاوره را در نثر خود به کار بردند. کاربرد واژگان محاوره در ترجمه‌های دوره دوم افزایش چشمگیری یافت که این مساله تا حدود متاثر از رواج تعابیر محاوره در نثر تالیفی فارسی است. برای نمونه حلاج‌زاده (۱۳۸۹) و نقابی و تاج‌فیروزه (۱۳۹۷) به وفور تعابیر محاوره در نثر جلال آل-احمد اشاره کرده‌اند. آتش‌سودا (۱۳۹٦) هم با تحلیل داستان‌های صادق هدایت دریافت که هدایت تعابیر محاوره را در بسیاری از داستان‌های خود به کار گرفته است. کاهش نسبی شمار واژگان محاوره در ترجمه‌های نسل سوم و افزایش چشمگیر واژگان شکسته در ترجمه‌های آنان بیانگر شیوع شکسته‌نویسی در ترجمه‌های این دوره است. این مساله تا حدودی ناشی از ناآشنایی نسل سوم مترجمان ادبی ایران با اصول محاوره‌نویسی و شکسته‌نویسی است (صلحجو، ۱۳۹۱، مقدمه).

نمونه‌هایی از واژگان محاوره به کار رفته در ترجمه‌های سه دوره در زیر آمده است:

علیرغم کبر سن شخصی مزاح و **شوخ و شنگ** بود (گراپرل، ۱۸)

عاشقش با دیگری **سری و سرّی** دارد (گراپرل، ۱۹)

از درستی و تدیّن مردم **خاطرجمع** می‌باشند (ژول‌ورن، ١٦)

رودلف خیلی کم و **بسرسری** میخورد (بوسه عذرا، ٢٦)

من اینک با کمال افتخار **بشماها** معرفی میکنم این خانم محترم را (پسر پاردایان، ٤)

میسوزد... این **لاکردار** میسوزد (طاعون، ٥٤)

مرد ریزه‌اندام لال اولین نفری بود که **گم و گور** شده است (مرگ در آند، ١٤)

دو صندلی گود و **داغانی** که میتوانست داخلشان جمع شود (عمارت معصوم، ۸)

آخرسر مجبور شدیم دستهایش را بگیریم و نگذاریم برود (غول مدفون، ٤٢)

گرته‌برداری واژگانی

در این مطالعه، کاربرد گرته‌برداری واژگانی در ترجمه‌های سه نسل از مترجمان ادبی بررسی شد. نتایج در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵- بسامد گرته‌برداری واژگانی در آثار سه نسل از مترجمان ادبی ایران

آثار دوره نخست	گرته‌برداری واژگانی	آثار دوره دوم	گرته‌برداری واژگانی	آثار دوره سوم	گرته‌برداری واژگانی
تیره بختان	۳	دن کیشوت	۱	نماد گمشده	**۲۲**
سه تفنگدار	٦	بازمانده روز	۸	اما	**۲۲**
ژیل بلاس	۰	طاعون	۷	شرلوک هولمز	**۱۲**
حاجی بابای اصفهانی	۰	جنگ و صلح	۲۹	ظلمت در نیمروز	**۳**
میشل استرگف	٦	خانواده تیبو	۲	اومون را	**۱۷**
خاطرات مادموزال	۵	آرزوهای بزرگ	۹	تابستان آن سال	**۲۰**
هانری سوم	۵	اوژنی گرانده	۸	مون پلاس	**۲۳**
سرگذشت گراپرل	۲	مرگ در آند	۲	قلبی به این سپیدی	**۲۹**
تلماک	۳	ربه کا	۵	بی رنگ و سال های زیارت او	**۱۲**
پسر کنت مونت کریستو	۵	برق نقره ای	۱۲	پرندگان می‌روند در پرو بمیرند	**١٤**
پسر پاردایان	۱۲	موبی دیک	٤٧	صد سال تنهایی	**۵۳**
فوبلاس	۹	صد سال تنهایی	۲۲	عمارت معصوم	**۳٦**
بوسه عذرا	٦	زمان بازیافته	۸	مرگ به پمبرلی می آید	**۳۳**
هانری چهارم	۱۲	شوهر دلخواه	۹	عشق تابستانی	**٤۲**
ژول ورن	۲۳	برادران کارامازوف	۲٦	غول مدفون	**۳۲**
میانگین دوره اول	٦,٤٦	میانگین دوره دوم	۱۳	میانگین دوره سوم	**۲۲,۷٦**

نتایج ارائه‌شده در جدول ۵ نشان می‌دهد که میانگین بسامد گرته‌برداری واژگانی در آثار دوره نخست کمی بیشتر از ٦ مورد در هر اثر بوده است که نشان می‌دهد مترجمان دوره اول کمتر تحت تاثیر ساختار واژگانی متن اصلی بوده‌اند. این میانگین در دوره دوم قدری بیشتر شده است و در دوره سوم با جهشی چشمگیر به رقم ۲۲,۷٦ مورد در هر اثر رسیده است. این ارقام نشان می‌دهد که مترجمان دوره سوم گرایش بیشتری به گرته‌برداری واژگانی داشته‌اند که این گرایش احتمالا ناشی از ناآشنایی این مترجمان با تعابیر واژگانی معادل در زبان فارسی بوده است.

یافته‌های این مطالعه تاییدکننده نگرانی است که نجفی (۱۳٦۱: ۱۳) سال‌ها پیش از این ابراز کرده بود. وی گفته بود که بر اثر گرته‌برداری واژگانی ترکیب‌هایی به فارسی وارد می‌شوند که از نظر قواعد واژه‌سازی درست نیستند و معادل‌های جاافتاده‌تری هم برای آنها در فارسی وجود دارد. علاوه بر این، مفهومی که از کل این ترکیبات برداشت می‌شود با معنای اجزای آنها یکی نیست. «در جریان قرار دادن» و «اتوبوس گرفتن» از نمونه‌هایی هستند که نجفی ذکر کرده است.

یافته‌های پژوهش جاری همچنین همراستا با نتایج واچ (۲۰۱۳) است که نشان داده بود گرته‌برداری در متون ترجمه‌ای منتشرشده در مجلات علمی لهستان گرایشی غالب مترجمان است. به گفته این پژوهشگر، مترجمانی که بر قابلیت‌های واژگانی لهستانی تسلط کافی داشته‌اند توانسته‌اند گرته‌برداری را برای ساخت واژگان تخصصی جدید و ساختارهای دستوری نو به کار گیرند. لاریزگویتیا (۲۰۱۰) هم با واکاوی متون ادبی ترجمه‌شده به زبان باسک نشان داده است که مترجمان توانمند چگونه گرته‌برداری را برای خلق واژگان و ساختارهای زبانی بدیع به کار برده‌اند. این دو مطالعه از گرته‌برداری مثبت و محاسن آن سخن گفته‌اند اما در مورد بسامد بالای گرته‌برداری واژگانی در ترجمه‌های ادبی نسل سوم شاید گرته‌برداری منفی پدیده غالب باشد. سمیعی گیلانی (۱۳۹٦) گرته‌برداری‌های مترجمان جدید را آسیب‌زا و ناشی از فقر دانش زبانی مترجمان دانسته است؛ مترجمانی که چون از امکانات بالقوه زبان فارسی خبر ندارند گرته‌برداری می‌کنند.

نمونه‌هایی از گرته‌برداری واژگانی ترجمه‌های سه دوره در زیر آمده است:

عضلات چانه **بسیار منبسط‌شده** نشانه دیگری بود که این جوان اهـل کاسـکون اسـت (سـه تفنگدار، ۵)

اسب‌های **غیر از این** هم گه **جنسشان مخلوط است** زیاد بودند (استرگف، ۷)

اطاقش بزرگ و **بواسطه گرانی هیزم** گرم کردن آن دشوار بود (تیره‌بختان، ۲۷)

به شیوه ای در آنها غیبش می‌زد که کم‌ترین سطح از بدنش در معـرض دیـد چشـم فضـول رهگذران احتمالی باشد (زمان بازیافته، ۳)

کمتر از یک هفته از نامه پسر کوچک، بـانو روپـا مهـرا نامـه ای از پسـر بـزرگش دریافـت داشت (شوهر دلخواه، ١٦٦٧)

هنوز- **اگرچه با مخاطراتی**- روی آب شناور بود (عمارت معصوم، ۵)

لبخند آقای کیدر باریکتر شد و **با حالتی جدی** گفت..... (عشق تابستانی، ۲۰)

ظرف یک روز دو جین خوک تلف می‌شدند (غول مدفون، ۷)

تعابیر فارسی

در این مطالعه، کاربرد تعابیر فارسی در ترجمه‌های سه نسل از مترجمان ادبـی بررسـی شـد. نتایج در جدول ٦ نشان داده شده است.

همانطور که در جدول ٦ میبینیم، میانگین فراوانی تعابیر فارسی در هـر یـک از ترجمـه‌هـای دوره اول ۳۳ مورد بوده است که در ترجمـه‌هـای دوره‌هـای بعـد بـا سـیری نزولـی بـه ٢٦,٢ و ١٨,١٣ مورد در هر اثـر رسـیده اسـت. رواج کـاربرد تعـابیر فارسـی در دوره نخسـت متـاثر از ویژگی‌های نثر فارسی در آن روزگار بوده است. پیش از این کیانی‌فر (۱۳۹۲) نشان داده بود کـه رواج اصطلاحات و مثل‌ها در ترجمه‌های عصر مشروطه از آثار تالیفی آن عصر هم بیشـتر بـوده است. در آن دوران، نثر فارسی در مرحله گذار از نثر منشیانه به نثر ساده و زبـان محـاوره بـوده است (صفا، ۱۳۸۱: ۱۰۱). کاربرد تعابیر دوم در ترجمه‌های دوره دوم کمتـر شـده امـا مترجمـان نسل دوم احتمالا تحت تاثیر سنت نثر فارسی در دوره خود همچنان تعابیر فارسـی را بـه وفـور در آثار خود به کار برده اند. حلاج‌زاده (۱۳۸۹) و نقابی و تاج‌فیـروزه (۱۳۹۷) بـه وفـور تعـابیر فارسی در نثر جلال آل‌احمد اشاره کرده‌اند.

جدول ٦- بسامد تعابیر فارسی در آثار سه نسل از مترجمان ادبی ایران

آثار دوره نخست	تعابیر فارسی	آثار دوره دوم	تعابیر فارسی	آثار دوره سوم	تعابیر فارسی
تیره بختان	٦	دن کیشوت	٤٧	نماد گمشده	**۳**
سه تفنگدار	۷	بازمانده روز	۲۷	اما	**۲٦**
ژیل بلاس	١٤	طاعون	٤	شرلوک هولمز	**۲۰**
حاجی بابای اصفهانی	١٤٢	جنگ و صلح	٤٢	ظلمت در نیمروز	**۲۸**
میشل استرگف	١٥	خانواده تیبو	۲۱	اومون را	**۷**
خاطرات مادموزال	١۷	آرزوهای بزرگ	۳۸	تابستان آن سال	**۱۲**
هانری سوم	٤٥	اوژنی گرانده	۱۱	مون پلاس	**۳٦**
سرگذشت گراپرل	۲۳	مرگ در آند	۱۹	قلبی به این سپیدی	**۱۲**
تلماک	٤٥	ربه کا	۱۰	بی رنگ و سال های زیارت او	**۱۵**
پسر کنت مونت کریستو	۳۱	برق نقره ای	۱۳	پرندگان می روند در پرو بمیرند	**۳٤**
پسر پاردایان	۱۱	موبی دیک	٦۲	صد سال تنهایی	**۹**
فوبلاس	٤۳	صد سال تنهایی	۲۳	عمارت معصوم	**٦**
بوسه عذرا	٤۲	زمان بازیافته	۲۰	مرگ به پمبرلی می آید	**۱**
هانری چهارم	۱۰	شوهر دلخواه	۱۳	عشق تابستانی	**۱۲**
ژول ورن	٤٥	برادران کارامازوف	٤٤	غول مدفون	**٥۱**
میانگین دوره اول	۳۳	میانگین دوره دوم	۲٦,۲	میانگین دوره سوم	**۱۸,۱۳**

آتش‌سودا (۱۳۹٦) هم با تحلیل داستان‌های صادق هدایت دریافت که هدایت در کنار تعابیر محاوره به طور گسترده از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات فارسی در بسیاری از داستان‌های خود بهره گرفته است. در ترجمه‌های دوره سوم، فراوانی ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات به کمترین حد ممکن رسیده که این مساله احتمالا ناشی از پایین بودن دانش مترجمان این نسل

در مورد تعابیر فارسی و یا بی‌اعتقادی آنان به کاربرد این عناصر در ترجمه بوده است. برای نمونه، خزاعی‌فرید (۱۳۹۳) ضعف دانش و خلاقیت زبانی و گرایش به برقراری شباهت صوری میان متن ترجمه و متن اصلی را از کاستی‌های مترجمان جوان ایران دانسته است.

نمونه‌هایی از تعابیر فارسی ترجمه‌های سه دوره در زیر آمده است:

پای دعویداران دین را نیز به دکان خویش بگشود (حاجی بابای اصفهانی، ۱۱)

پشت و پهلویش را به باد مشت میگرفتم (حاجی بابای اصفهانی، ۲۰)

باید در دنیا ترقی کنی و گلیم بخت خود را از آب برآری (ژیل بلاس، ٤)

آدم را از خنده روده‌بر میکرد (دن کیشوت، ۲۷)

وی باب دوستی را با او گشوده بود (ربکا، ۲۰)

آدمی که دخل هر جنبده‌ای را درمی‌آرد و کلی پول دارد (مرگ در آند، ۲۸)

جانم... فانون... شکمی از عزا دربیار (اوژنی گرانده، ٤٣)

سیر تا پیاز امور خانواده را میدانست (اما، ۱۳)

ناگهان جوانک با توپ پر گفت.... (ظلمت در نیمروز، ۱۸)

واکاوی فرضیه‌های تحقیق

فرضیه نخست این پژوهش آن بود که مترجمان نسل اول گرایش به استفاده از امکانات بالفعل و بالقوه زبان فارسی داشته‌اند. فرضیه دوم این پژوهش آن بود که مترجمان نسل دوم گرایش به استفاده از امکانات بالفعل و بالقوه زبان مبدا و زبان فارسی داشته‌اند. فرضیه سوم این پژوهش هم آن بود که مترجمان نسل سوم گرایش به استفاده از امکانات بالفعل زبان مبدا داشته‌اند. در این بخش، فرضیه گفته‌شده در مورد همه متغیرهای تحقیق فعلی بررسی می‌شود.

نتایج این مطالعه نشان داد که مترجمان نسل اول کمتر از مترجمان امروزی از ساختار مجهول استفاده کرده‌اند. غلامی (۱۳۸۷) با تحلیل نثر روزنامه‌ای و ادبی اواخر دوره قاجار نشان داد که کاربرد مجهول در آن دوران بیشتر برای حفظ بافت رسمی کلام و حفظ شان و منزلت شاهان هنگام خطاب کردن آنان بوده است. کاربرد اندک ساختار مجهول در ترجمه‌های نسل او هم تابع سنت نثر تالیفی آن دوران و به اقتضای بافت رسمی کلام بوده است. در ترجمه‌های نسل دوم، کاربرد مجهول اندکی کمتر از دوره اول بوده است. جهانگرد (۱۳۸٤) به حرکت نثر تالیفی فارسی به سمت ساختارهای گفتاری و محاوره در دوره دوم اشاره کرده است. مترجمان

نسل دوم نیز احتمالا تحت تاثیر این گرایش نثر فارسی به کاربرد بیشتر ساختارهای گفتاری و معلوم روی آورده‌اند و از شمار ساختارهای مجهول در ترجمه‌های خود کاسته‌اند. میانگین فراوانی ساختار مجهول در ترجمه‌های نسل سوم به بالاترین سطح رسیده است. این در حالی است که گرایش غالب در متون ادبی فارسی، کاربرد ساختار معلوم است (خزاعی‌فرید، ١٣٧٤). این مساله بیانگر فاصله گرفتن مترجمان نسل سوم از قابلیت‌های فارسی و گرایش آنان به استفاده از امکانات زبان اصلی است. به نظر می‌رسد که این گرایش تا حدود زیادی ناشی از ضعف تسلط نسل سوم مترجمان ادبی بر امکانات فارسی است. مهدی سحابی یکی از مترجمان این نسل است که در مقدمه ترجمه خود از اثر کارلوس فوئنتس، پایبندی توامان به زبان متن اصلی و امکانات زبان فارسی را شرط موفقیت در ترجمه دانسته است (فوئنتس،١٣٨٣، ترجمه مهدی سحابی، مقدمه).

دومین هنجار بررسی‌شده طول جمله است. نتایج این تحقیق نشان داد که در دوره نخست میانگین طول جمله ترجمه‌ها کوتاهتر از دوره‌های بعد و در حدود ١١ واژه بوده است. مترجمان دوره نخست در این بخش هم به هنجارها و قابلیت های زبانی فارسی در زمان خود پایبند بوده اند. غفاری(١٣٨٧) در مطالعه خود نشان داد که گروه‌های اسمی طولانی و جملات پیچیده در نثر دوره قاجار حضور چندانی نداشته و جملات فارسی در آن دوران کوتاهتر از فارسی امروز بوده است. مترجمان دوره دوم جملاتی بلندتر از مترجمان نسل اول به کار می‌بردند. خزاعی‌فرید و فتح اللهی(١٣٨٩) پیش از این گزارش کرده بودند که میانگین طول جمله رمان‌های تالیفی فارسی در دوره دوم ترجمه ادبی بیشتر از رمان‌های کلاسیک دوره قاجار بوده است. بنابراین، به نظر میرسد بلندتر شدن جملات مترجمان نسل دوم هم تابع ساختار متن اصلی بوده و هم تابع هنجار طول جمله در آن دوران. سرانجام، در ترجمه‌های نسل سوم میانگین طول جمله بیشتر از دوره‌های پیش است. چنان که در بحث پیرامون گرته‌برداری نحوی دیدیم، مترجمان نسل سوم پیشترین پایبندی را به ساختار متن اصلی داشته‌اند. کاربرد جملات بلند در ترجمه‌های نسل سوم احتمالا ناشی از انتقال گروه‌های اسمی بلند و جملات پیچیده به فارسی بوده است. پیش از این، قدیانی (١٣٩١) نیز گرایش مترجمان امروزی را انتقال ساختار بلند جملات متن اصلی به فارسی دانسته بود.

سومین هنجار بررسی‌شده کاربرد واژگان شکسته است. نتایج این تحقیق نشان داد که مترجمان نسل اول کمترین واژگان شکسته را در ترجمه‌هایشان به کار برده‌اند. شکسته‌نویسی در نثر آراسته دوره قاجار پدیده‌ای نادر بوده است (جهانگرد، ۱۳۹۰) و مترجمان نسل اول هم از این سنت پیروی کرده‌اند. در دوره دوم، شکسته‌نویسی در ترجمه‌های فارسی قدری بیشتر شده است که این گرایش مترجمان تا حدودی متاثر از راه یافتن زبان گفتار به نثر فارسی بوده که بخش‌های مربوط به شکسته‌نویسی و محاوره‌نویسی بدان اشاره کردیم. در دوره سوم، شمار واژگان شکسته در ترجمه‌های فارسی جهشی چشمگیر یافته است. این گرایش مترجمان امروزی چندان تحت تاثیر متن اصلی یا سنت نثر فارسی نیست و بیشتر به علت گسترش شکسته‌نویسی میان نویسندگان ایرانی و تاثیر رسانه‌های جمعی است (ناظمیان و قربانی، ۱۳۹۵).

چهارمین هنجار مورد بررسی واژگان محاوره است. یافته‌های پژوهش جاری نشان داد که مترجمان نسل اول کمترین استفاده را از واژگان شکسته کرده‌اند. این نشان می‌دهد که مترجمان نسل اول بیشتر به نثر منشیانه فارسی در عصر خود پایبند بوده‌اند. پیشتر خسروبیگی و فیضی (۱۳۹۱) با واکاوی ترجمه‌های عصر قاجار از ۱۲۱۰ تا پایان دوره ناصرالدین شاه نتیجه گرفتند که مترجمان آن عصر عمدتا «میرزا»هایی با اشراف گسترده بر امکانات زبان فارسی بوده‌اند و سبک ترجمه آنها نزدیک به متون تالیفی عصر خود بوده است. انوار، کارشناس نسخ عصر قاجار، نیز زبان بیشتر ترجمه های دوره نخست را «ترجمه هایی دقیق» و نثر آنها را «پخته و استوار» توصیف کرده است (انوار به نقل از آذرنگ، ١٣٩٤، فصل بیستم). این توصیف بیانگر پایبندی مترجمان این عصر به استفاده از قابلیت های زبان فارسی است. در دوره دوم، شمار واژگان محاوره در ترجمه‌های فارسی بیشتر شده است. مترجمان نسل دوم واژگان محاوره را برای انتقال زبان گفتار به نوشتار و خلق گفت‌وگوهای داستانی به کار برده‌اند. همانطور که در بخش قبل بحث کردیم، این گرایش مترجمان نسل دوم از یک طرف متاثر از نثر داستانی فارسی در آن دوران بوده است و از طرف دیگر بیانگر تلاش آنان برای وارد کردن داستان-نویسی جدید به ادب فارسی. در ترجمه‌های نسل سوم شمار واژگان محاوره کمتر شده است که این مساله تاحدودی به دلیل گرایش این مترجمان به شکسته‌نویسی به جای محاوره‌نویسی

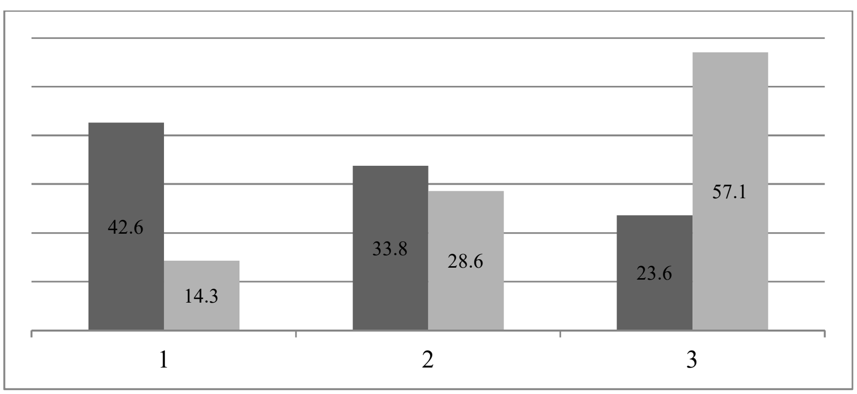
است. این گرایش را نمیتوان ناشی از پایبندی آنان به قابلیت‌های زبان اصلی یا زبان مقصد دانست.

پنجمین هنجار مورد بررسی در این مطالعه گرته‌برداری واژگانی است. نتایج ما نشان داد که مترجمان نسل اول کمترین استفاده را از گرته‌برداری واژگانی کرده‌اند. این گرایش ناشی از پایبندی مترجمان نسل اول به ساختار واژگانی فارسی بوده است. به گفته خزاعی‌فرید، مترجمان نسل اول «انبوهی از واژگان غنی و استعاری» فارسی را به خدمت گرفتند (۱۳۹۷: ٦٢). پیش از این، غفاری (۱۳۸۷) نشان داده بود که گرته‌های واژگانی در سنت نثر فارسی وجود نداشته و بر اثر ترجمه وارد نثر دوره قاجار شده است. گرته‌برداری واژگانی در ترجمه-های نسل دوم در مقایسه با نسل قبل افزایش یافته است. مترجمان نسل دوم در کنار استفاده از گرته‌های جاافتاده در فارسی در بسیاری از موارد کوشیدند ترکیبات جدید واژگانی را به ترجمه‌های خود وارد کنند. نجفی (۱۳٦۱: ٤) بر این باور است که گرته‌برداری در بسیاری موارد بر «غنای» زبان فارسی افزوده است. در دوره سوم گرته‌برداری واژگانی به اوج رسیده است. خزاعی‌فرید (۱۳۹۵) نمونه‌های بسیاری از گرته‌برداری‌های واژگانی مترجمان جوان را که با قابلیت‌های فارسی همخوانی ندارند ذکر کرده است. به نظر می‌رسد گرایش اصلی مترجمان نسل سوم بهره‌گیری از امکانات زبان مبدا بوده است.

هنجار ششم این مطالعه تعابیر فارسی است. یافته‌های ما نشان داد که فراوانی اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی در ترجمه‌های دوره اول بیشتر از دوره‌های بعد بوده است. ترجمه‌های این دوران تکیه بر گنجینه غنی تعابیر و اصطلاحات فارسی داشته است(خزاعی‌فرید، ۱۳۹۷). این سنت ترجمه متاثر از غنای نثر آراسته فارسی در عصر قاجار بوده است (جهانگرد، ۱۳۹۰). در دوره دوم شمار تعابیر فارسی کمتر شده اما همچنان از ترجمه‌های نسل سوم بیشتر بوده است. این نشان می‌دهد مترجمان نسل دوم هم از تعابیر متداول فارسی بهره گرفته‌اند و هم کوشیده‌اند تعابیر فرهنگی جدیدی را از زبان مبدا به فارسی وارد کنند. برای نونه علیزاده (۱۳۸۹) نشان داد که کریم امامی از مترجمان نسل دوم در ترجمه عناصر فرهنگی گتسبی بزرگ هم از سنت فارسی بهره گرفته و هم عناصر فرهنگی را از زبان مبدا به فارسی وارد کرده است. کاربرد تعابیر فارسی در داستان‌های تالیفی دوره دوم هم بسیار رایج بوده است (برای نمونه ر.ک. حلاج‌زاده، ۱۳۸۹؛ نقابی و تاج‌فیروزه، ۱۳۹۷). در ترجمه‌های دوره سوم، استفاده

از تعابیر فارسی به کمترین مقدار در مقایسه با دوره‌های قبل رسیده است. مترجمان این دوره با تکیه بر امکانات متن اصلی کوشیده‌اند تعابیر فرهنگی متن اصلی را با لفظ‌گرایی به فارسی وارد کنند و یا مضمون این تعابیر را در ترجمه‌های خود بازگو کنند. پیش از این کمیجانی فراهانی و قاسمی (۲۰۱۲) نیز با واکاوی شیوه‌های برگردان ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات اثر پینوکیو در ترجمه‌های فارسی نشان داده بودند که مترجمان در بیشتر موارد تعابیر فوق را بازگویی و بازنویسی کرده‌اند و در موارد کمتری از اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های معادل فارسی بهره گرفته‌اند.

از میان هنجارهای بررسی‌شده، هنجار تعابیر فارسی هنجاری است که به طور خاص ریشه در سنت نثر فارسی دارد و هنجارهای گرته‌برداری واژگانی، واژگان محاوره و واژگان شکسته هنجارهای غیرفارسی هستند که به تدریج بر شمار آنها در ترجمه‌های فارسی افزوده شده است. در شکل ۱، درصد کاربرد هنجار تعابیر فارسی و هنجارهای غیرفارسی در ترجمه‌های سه دوره مقایسه شده است.



شکل ۱- درصد کاربرد هنجار تعابیر فارسی (ستون سیاه‌رنگ) و هنجارهای غیرفارسی (ستون سفیدرنگ) در ترجمه‌های سه دوره

شکل ۱ نشان می‌دهد که کاربرد تعابیر فارسی در یک قرن گذشته سیر نزولی داشته است در حالی که بر بسامد هنجارهای غیرفارسی به تدریج افزوده شده است. این روند موید فرضیه‌های مطرح‌شده در این پژوهش است. ذکر این نکته ضروری است که هنجار طول جمله در محاسبات شکل ۱ منظور نشده است زیرا طول جمله بر حسب میانگین (و نه بسامد)

محاسبه شده است. هنجار جمله مجهول نیز در محاسبات مربوطه وارد نشده است زیرا بسامد کاربرد آن در هر سه دوره کمابیش یکسان بوده و این هنجار را نمی‌توان در زمره هنجارهای فارسی یا غیرفارسی به حساب آورد.

نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه واکاوی ویژگی‌های سبکی مترجمان ادبی ایران پس از مشروطه بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که در طی یک قرن اخیر، استفاده مترجمان ادبی ایران از ساختارهای مجهول، جملات بلند، واژگان شکسته و گرته‌برداری واژگانی بیشتر شده است اما کاربرد تعابیر فارسی و واژگان محاوره پس از اوج‌گیری در دوره دوم در ترجمه‌های دوره سوم کمتر شده است. نتایج بر پایه میزان پایبندی مترجمان هر دوره به امکانات و قابلیت‌های زبان فارسی واکاوی شد.

از برآیند بررسی هنجارهای ششگانه بالا می‌توان چنین نتیجه گرفت که فرضیه‌های سه‌گانه تحقیق مورد تایید هستند. به بیان دیگر، مترجمان نسل اول بیشتر به استفاده از امکانات زبان فارسی پایبند بوده‌اند. مترجمان نسل دوم ضمن پایبندی به امکانات زبان فارسی کوشیده‌اند برخی قابلیت‌های زبانی جدید را به فارسی بیفزایند. بالاخره مترجمان نسل سوم بیشتر به استفاده از امکانات زبان اصلی گرایش داشته‌اند. البته گرایش مترجمان نسل سوم به کاستن از شمار واژگان محاوره و افزودن به شمار واژگان شکسته ظاهرا تحت تاثیر شکسته‌گویی و شکسته‌نویسی در رسانه‌های جمعی بوده است. گرایش مترجمان نسل سوم به زبان اصلی را می‌توان تا حدود زیادی ناشی از ناآشنایی آنان با قابلیت‌ها و امکانات زبان فارسی دانست.

این پژوهش همچون هر پژوهش دیگری با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. یکی از این محدودیت‌ها عدم مقابله ترجمه‌ها با متن اصلی و عدم استفاده از پیکره متون تالیفی فارسی در دوره‌های مورد بررسی است. برای این انتخاب علل و دلایلی قابل ذکر است. نخست این که پیکره این مطالعه شامل ٤٥ اثر بود و بررسی متون اصلی و متون تالیفی فراتر از توان نویسندگان بود. دوم این که نثر ترجمه‌ای در برخی دسته‌بندی‌ها همچون دسته‌بندی امین (١٣٨٤: ٦١-٣٧) یک نوع مستقل از متن ادبی با مشخصه‌های خاص تلقی شده است. بنابراین، ترجمه را می‌توان به طور مستقل مورد پژوهش قرار داد. سوم این که بسیاری از متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش پیش از این موضوع بسیاری از پژوهش‌های ادبیات فارسی بوده-

اند و یافته‌های آن مطالعات در دست است. با همه این اوصاف، مقابله ترجمه‌ها با متن اصلی و متون تالیفی فارسی سودمند خواهد بود.

با توجه به محدودیت‌های این تحقیق، به پژوهشگران حوزه تاریخ‌نگاری ترجمه توصیه می‌شود متغیرهای زبانی این مطالعه در ترجمه آثار ادبی غیر از رمان نیز تحلیل و توصیف شود. علاوه بر این، بیشتر شدن هنجارهای مورد مطالعه می‌تواند تصویری واضح‌تر از هنجارهای مترجمان ادبی ایران در یکصد سال اخیر به دست دهد. از طرف دیگر، بررسی و مقابله ترجمه‌های متعددی که در ادوار مختلف از یک اثر ادبی انجام شده به ما تصویر بهتری از سیر تحول هنجارهای زبانی در دوره‌های مختلف ترجمه ادبی ایران ارائه خواهد داد.

کتابنامه

۱- آزادی بوگر، امید(۱۳۹٤). تاریخ‌نگاری ترجمه در دنیای متجدد: ترجمه و تجدد در ایران(۲). *مترجم*، *۵۷*، ۵۷-۷۲.

۲- آتش‌سودا، محمدعلی(۱۳۹٦). سبک نثر داستانی هدایت. *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک-شناسی*، ۳۰، ۱۱-٤۸.

۳- آذرنگ، عبدالحسین(۱۳۹٤). تاریخ ترجمه در ایران، از دوران باستان تا پایان عصر قاجار. تهران: ققنوس.

٤- آقاگلزاده، فردوس؛ اربابی، محمود و قدرت‌الله عموزاده(۱۳۹۳). ویژگی‌های زبان محاوره در نمایش‌نامه‌نویسی رادیویی. *علوم خبری*، *۱۱*، ۷۷-۱۰۲.

۵- استکی، آزاده(۱۳۸۸). ***آزمودن فرضیه ساده سازی : بررسی ویژگی‌های ساده سازی در متون اقتصادی ترجمه شده وترجمه نشده***. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.

٦- امین، سید حسن. (۱۳۸٤). *ادبیات معاصر ایران*. چاپ اول. انتشارات دایرهٔ المعارف ایرانشناسی.

۷- جهانگرد، فرانک(۱۳۸٤). *تحول نثر فارسی در دوره قاجار*. رساله دکتری، دانشگاه تهران.

۸- ----------(۱۳۹۰). رویکرد انتقادی، مبنای دگردیسی انواع نثر ادبی در عصر قاجار. *نقد ادبی*، *۱۵*، ٦۱-۸٦.

۹- حسینی معصوم، سید محمد و هایده کمیلی‌دوست(۱۳۸۹). بررسی شیوه‌های معادل‌یابی واژگانی در ترجمه متون تبلیغاتی و تجاری از انگلیسی به فارسی. *مطالعات زبان و ترجمه، ۲*، ۹۳-۱۱٤.

۱۰- حلاج‌زاده، لیلا(۱۳۸۹). جلال و نثر شکسته معاصر. *کتاب ماه ادبیات، ٤٤*، ۲۳-۲۹.

۱۱- حیاتی آشتیانی، کریم و شیرازی‌نژاد، سپیده(۱۳۹۲). میانگین طول جملات در ترجمه متون مطبوعاتی. *بوطیقا، ۱*(۳): ۲۳-۳٤.

۱۲- خاتمی، احمد و مژگان اصغری طرقی(۱۳۹۱). سایه نثر قاجار بر شیوه نگارش فارسی امروز. *ادب فارسی، ۲*(۲): ۲۱-٤۳.

۱۳- خزاعی‌فرید، علی(۱۳۷٤). فعل شبه‌مجهول در فارسی و انگلیسی. *مترجم، ۲۰*، ۲-۱۱.

۱٤- ---------(۱۳۹۳). آفت‌های انتخاب اول. *مترجم، ٥٥*، ۳-۱۱.

۱٥- ---------(۱۳۹٥). *ترجمه عملی ۷. مترجم، ٥۹*، ۱۰-۱٤.

۱٦- ---------(۱۳۹۷). درباره لغتنامه کیکیا تالیف روانشاد کریم امامی. *مترجم، ٦۳*، ٦۱-٦٥.

۱۷- خزاعی‌فرید، علی و مسلم فتح‌اللهی(۱۳۸۹). تاثیر ترجمه رمان‌های مدرن انگلیسی بر هنجار سبکی طول جمله در رمان فارسی(موردپژوهی نه رمان کلاسیک و مدرن). *مطالعات زبان و ترجمه، ۳*، ۳۷-۳۸.

۱۸- خسروبیگی، هوشنگ و محمدخالق فیضی(۱۳۹۱). ترجمه در دوره قاجار(از ۱۲۱۰ ق. تا پایان دوره مظفری). *ادب فارسی، ۲*(۲): ۱۲٥-۱٤٦.

۱۹- دبیرمقدم، محمد(۱۳۹۲). *پژوهش‌های زبان‌شناختی فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۲۰- دهقان، علی و فاطمه حمام‌چی(۱۳۹٤). زبان عامیانه در آثار علی‌محمد افغانی. *فصلنامه تخصصی ادبیات فارسی، ۲*(۳): ٥۱-۷۳.

۲۱- رضایی، رضا(۱۳۹۷). دانش فارسی در رشته مترجمی زبان انگلیسی: اهمیت، وضعیت و راهکارهای بهبود. *فصلنامه مطالعات ترجمه، ٦۲*، ۷-۲۰.

۲۲- سمیعی گیلانی، احمد(۱۳۹٦). گرته برداری، گفت و گو با خزاعی‌فرید. *مترجم، ٦۳*، ۲٦.

۲۳- صابونچی، مهتاب(۱۳۹٤). اهمیت شناخت فرهنگ در ترجمه با استناد بر چند نمونه. *پژوهشهای زبانشناختی در زبانهای خارجی، ٥*(۲): ۳۳۳-۳٥۲.

۲٤- صالحی، زهرا(۱۳۹۱). *بررسی مقایسه ای متون سیاسی ترجمه شده و اصلی فارسی از لحاظ تراکم واژگان، طول جملات و ضریب تعداد کلمات متفاوت در یک متن*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیخ بهایی.

۲۵- صفا، ذبیح‌الله(۱۳۸۱). *مختصری در تاریخ تحول نظم و نثر فارسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲٦- صفارمقدم، احمد(۱۳۹۲). تفاوت‌های گفتار و نوشتار در آموزش مهارت‌های گفتاری زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان. *زبان‌شناخت*، ٤(۲): ۱۱۵-۱٤۰.

۲۷- صلحجو، علی(۱۳۹۱). *اصول شکسته‌نویسی: راهنمای شکستن واژگان در گفت‌وگوهای داستان*. تهران: مرکز.

۲۸- عزیزی، جلیل، رسول‌اف، رامین و محمدرضا جاذبی‌زاده(۱۳۸۸). رسانه‌های جمعی و هویت زبانی-ادبی در بین جوانان شهر شیراز. *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی*، ۳(۷): ۱۷۵-۱۹٦.

۲۹- علیزاده، علی(۱۳۸۹). مقوله‌ها و عناصر فرهنگی و چگونگی ترجمهٔ آن‌ها در گتسبی بزرگ ترجمهٔ کریم امامی. *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، ۵۹، ۵۳-۷٤.

۳۰- غفاری، معصومه(۱۳۸۷). *پدیده‌های قرضی در زبان فارسی (فرانسه، انگلیسی) از مشروطه تا امروز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان شناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

۳۱- غلامی، علی(۱۳۸۷). بررسی ویژگی‌های نثر روزنامه‌نگاری دربار قاجار. *پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب*، ٤(۷): ۱٦۷-۱۸۸.

۳۲- غمخواه، اعظم و علی خزاعی‌فرید(۱۳۹۰). مقایسه کمّی سبک متن اصلی و متن ترجمه شده (مورد پژوهی: سه ترجمه از «پیامبر» و یک ترجمه از« غربزدگی»). *مطالعات زبان و ترجمه*، ٤٤(۳): ۱۰۳-۱۱۸.

۳۳- فوئنتس، کارلوس(۱۳۸۳). *مرگ آرتمیو کروز*، ترجمه مهدی سحابی. تهران: تندر.

۳٤- قدیانی، سارا(۱۳۹۱). *بررسی جهانی های ترجمه در متون داستانی کودک و نوجوان ترجمه شده از انگلیسی به فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

۳۵- کامشاد، حسن(۱۳۸٤). *پایه گذاران نثر جدید فارسی*، نشر نی، تهران.

۳٦- کیانی‌فر، خجسته(۱۳۹۲). تاثیر ترجمه بر ورود زبان عامیانه به ادبیات دوره مشروطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

۳۷- لرزاده، محمدرضا(۱۳۹٤). وداع با اسلحه ترجمه نجف دریابندری. *مترجم*، *۵۷*، ۵۱–۵۷.

۳۸- ناظمیان، رضا و زهره قربانی(۱۳۹۵). خوانشی تازه در تقابل زبان رسانه و معیار و تاثیر آن بر ترجمه. *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۵، ۱۳–۳٦.

۳۹- نجفی، ابوالحسن(۱۳٦۱). آیا زبان فارسی در خطر است؟ نشر دانش، ۱٤، ٤–۱۵.

٤۰- ------------(۱۳۹۱). *غلط ننویسیم: فرهنگ دشواریهای زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

٤۱- ------------ (۱۳۹۱). *غلط ننویسیم(فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی)*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

٤۲- نقابی، عفت و فاطمه تاج‌فیروزه(۱۳۹۷). بررسی مولفه‌های زبان عامیانه در داستان‌های جلال آل‌احمد. *دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی*، ۸٤، ۲٤۳–۲٦۹.

٤۳- Assis Rosa, Alexandra(2015). Translating Orality, Recreating Otherness. *Orality in Translation. Special Issue of Translation Studies*. ed. Paul Bandia. 209-225.

٤٤- Azadibougar , O(2010). Translation historiography in the Modern World: Modernization and Translation into Persian. *Target, 22*(2): 298-329.

٤۵- D’hulst, L. (2001). Why and How to Write Translation Histories? In J.Milton (Ed). *Emerging Views on Translation History in Brazil* (pp.21-32). University of São Paulo.

٤٦- Jazeb, M. (2015). Translation of Cultural Features in Informative Texts: A CDA Approach. *Translation Studies Quarterly, 48*, 11-26.

٤۷- Komijani Farahani, A., Ghasemi, M. (2012). The Naturalness in Translation of Idioms and Proverbs: The Case of a Persian Translation of Pinocchio. *Journal of Language and Translation, 3*(1): 17-22.

٤۸- Larizgoitia, X. A. (2010). A Typology of Calques: The Calquing Mechanism In Contemporary Basque. *Estudios de Linguistica, 24*, 13-35.

٤۹- Laviosa, S. (2002). *Corpus-Based Translation Studies. Theory, Findings, Applications.* Amsterdam/ New York: Rodopi.

۵۰- Lueng, M.W. (2006). The Ideological Turn in Translation Studiese in *Duarte, João Ferreira, Alexandra Assis Rosa and Teresa Seruya* (eds.), Translation Studies in the Interface of Discipline, volume six, 129–144.

۵۱- Malamatidou, S. (2013). Passive Voice and the Language of Translation: A Comparable Corpus-Based Study of Modern Greek Popular Science Articles. *Meta, 58*(2): 411-429.

۵۲- ***McArthur, T. (1992). The Oxford Companion to the English Language. Oxford: Oxford University Press.***

٥٣- Menacere, M. (1992). Arabic Methaphor and Idiom in Translation. *Meta*, *37*(3): 567–572.
٥٤- Munday, J. (2012). *Introducing Translation Studies. Theories and Applications (3th ed.).* London: Routledge.
٥٥- Pegulesco, A. (2016). Is Relevance Theory Applicable to Proverbs' Translation? *Journal of language and cultural education, 4*(1): 124-132.
٥٦- Plechackova, S. (2007). *Passive Voice in Translation: a Corpus-Based Study*. M.A. Thesis, Masaryk University.
٥٧- Rowley-Jolivet, E. (2001). Activating the Passive – A Comparative Study of the Passive in Scientific Conference Presentations and Research Articles. *Grammar and Specialized Language, 20*(4): 38-52.
٥٨- Santoyo, J. C. (2006). Blank Spaces in the History of Translation, in G.L. Bastin , P.F. Bandia (Eds.). *Charting the Future of Translation History* (pp.11-4٥). Canada: University of Ottawa Press.
٥٩- Sewell, P. (2001). The Occurrence of Calque in Translation Scripts. *Meta*, *46*(3): 607–615.
٦٠- Snell-Hornby, M. (2006). *The Turns of Translation Studies New Paradigms or Shifting Viewpoints*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
٦١- Shuttleworth, M., Cowie, M. (2007). *Dictionary of Translation Studies*. London & New York: Routledge.
٦٢- Toury, G. (1995). *Descriptive Translation Studies and Beyond*. Amsterdam & Philadelphia: John Benjamins.
٦٣- Tuan, L. (2010). Strategies for Translating the Passive Structure in Scientific Discourse. *Asian Social Science, 6*(7): 97-107.
٦٤- Wach, S. (2013). Calquing English Terminology into Polish. *Academic Journal of Modern Philology, 5*(2): 161-169.
٦٥- Wilson, F. C. (2005). *A Model for Translating Metaphors in Proverbs (French to English): A Cognitive Descriptive Approach*. M.A. Thesis, University of British Columbia.
٦٦- Xin, L. (2010). *An Investigation on Grammatical and Lexical Problems in the English-Chinese Document Translation in the United Nations*. M.A. Thesis, University of Queensland.

Analysis of Some Stylistic Features of the Iranian Literary Translators in the Last Century

Noura, Mahbube[1]

Zabol university, Zabol, Iran (Corresponding Author)

Ali Khazaee Farid
Associate Professor, Department of English, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University Of Mashhad

Received: 29/11/2019 Accepted: 27/03/2020

With the Constitutional Movement we enter a new era that inevitably changes the language. During this period, laymen become the target of popular literature; as a result, new values and ideas emerge and the language simplification movement begins. Contemporary Persian prose is also gradually changing. Translation prose is no exception. This research is based on descriptive translation studies and its suggested norms for describing translation. The purpose of this study is to investigate the stylistic features of Iranian literary translators in the last century. In the current study, six stylistic variables of Iranian literary translators - passive sentence, sentence length, broken vocabulary, colloquial vocabulary, lexical calque, and Farsi expressions - were studied after the constitutional movement. The findings of this study indicate that over the past century, Iranian literary translators have used more familiar structures, long sentences, broken vocabulary and lexical punctuation, but the use of Persian and colloquial expressions has decreased after the climax of the second period. The results were analyzed based on the extent to which the translators of each course adhered to the capabilities of the Persian language.

Keywords: Stylistic Features, descriptive translation studies, Iranian literary translators

[1] nouramahbube@yahoo.com